

میانجی‌گری سبک‌های کنترل تعارض، در رابطه فضایل و رضایت زناشویی

Mediation of Conflict Handling Styles in the Relation between Virtues and Marital Satisfaction

H. Naderi, Ms.C.

H. Pourshahryar, Ph.D.

O. Shokri, Ph.D.

حسین نادری ✉

کارشناس ارشد روان‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی

دکتر حسین پورشهریار

استادیار دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی

دکتر امید شکری

استادیار دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی

دریافت مقاله: ۹۳/۶/۲۳

دریافت نسخه اصلاح شده: ۹۴/۱۰/۱۳

پذیرش مقاله: ۹۴/۱۰/۲۰

Abstract

Despite awareness of the adjusted conflict tactics, sometimes there is no motivation for proper behavior. It is expected that virtues increase the likelihood of adaptive behaviors by affecting motivation for ethical behaviors.

This research studied the relation between marital satisfaction, character and its underlying virtues that are the internal elements necessary for adjusted life from a positive psychology perspective.

چکیده

گاه علی‌رغم آگاهی از شیوه‌های تعارضی سازگارانه، انگیزه‌ای برای رفتار مناسب احساس نمی‌شود. انتظار می‌رود تا فضیلت‌ها با تأثیر بر انگیزش برای رفتار اخلاقی، بر احتمال رفتارهای سازگارانه بیفزایند. پژوهش حاضر به بررسی رابطه منش و فضایل خانوادگی، منابع خانوادگی و بینش مشترک زیربنایی آن که از دیدگاه روان‌شناسی مثبت، عناصر درونی لازم برای داشتن یک زندگی سالم هستند، با رضایت زناشویی پرداخته است؛ در این راستا، سبک‌های کنترل تعارض زوجین واسطه‌ای فرض

✉Corresponding author: Dept. of Psychology, Psychology & Education Faculty, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.

Tel: +98-09119591778

Email: hoseinaderi@gmail.com

✉نویسنده مسئول: تهران، اوین، دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده

روان‌شناسی

تلفن: ۰۹۱۱۹۵۹۱۷۷۸

پست الکترونیکی: hoseinaderi@gmail.com

It is assumed that spouse's conflict handling styles is a mediator that play a role between character, virtues, and marital satisfaction. In a correlation plan, the married university students living in dormitories were asked to complete three questionnaires: Character Strengths, Conflict Management Style, and Marital Satisfaction. Finally, the data was analyzed based on SEM method.

The courage and transcendence are found as predictors of marital satisfaction and adaptive conflict handling tactics; The Humanity doesn't show a significant relationship with satisfaction. Results also support the mediating role of adaptive conflict handling styles in relation between virtues and satisfaction. It seems that marital satisfaction stems basically from the individual's inner characteristics rather than love between spouses. Virtues affect marital outcomes through their impact on spouses' interaction styles during conflicts. Clinical implications of these results are discussed as suggestions for family therapy interventions based on a positive perspective.

Keywords: Character Strengths, Virtues, Conflict Handling Styles, Marital Satisfaction.

می‌شود که فضایل را با رضایت زناشویی پیوند می‌دهد. طی یک طرح همبستگی، دانشجویان ساکن در خوابگاه‌های متأهلی چند دانشگاه، با روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند و پرسش‌نامه‌های توانمندی‌های منشی، رضایت زناشویی، و سبک‌های کنترل تعارض را تکمیل نمودند؛ داده‌ها با روش مدل‌یابی معادلات ساختاری تحلیل شد.

شجاعت و تعالی، پیش‌بین رضایت زناشویی و سبک‌های کنترل تعارض سازگارانه هستند، اما انسانیت رابطه معنی‌داری با رضایت ندارد. سبک‌های کنترل تعارض سازگار، در رابطه فضایل و رضایت‌مندی میانجی‌گری می‌کنند. رضایت زناشویی بیشتر از آن‌که ناشی از عشق میان همسران باشد، ریشه در ویژگی‌های درونی فرد دارد. فضایل با تأثیر بر شیوه‌های تعامل زوجین در حین تعارض، بر پیامد ازدواج مؤثرند؛ تلویحات این نتایج برای مداخلات درمانی در خانواده‌درمانی مثبت، مورد بحث قرار گرفته است.

کلیدواژه‌ها: توانمندی‌های منشی، فضایل، سبک‌های کنترل تعارض، رضایت زناشویی.

جنین آزمایشگاهی به مثابه شخص*

In Vitro Embryo as a Person

M. H. Sadeghi Moghadam, Ph.D.

دکتر محمد حسن صادقی مقدم ✉

استاد دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

M. Mozafari, Ph.D. Student

مصطفی مظفری

دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

دریافت مقاله: ۹۴/۶/۱۱

دریافت نسخه اصلاح شده: ۹۴/۹/۹

پذیرش مقاله: ۹۴/۹/۲۹

Abstract

Based on moral principles and the natural laws, an in vitro embryo is considered as a natural embryo. The difference in the course of natural growing of an in vitro embryo and natural embryo, does not result in a difference of the governing rules, since both are embryos. It is argued that an in vitro embryo has the same rights as the natural embryo. Considering this claim, despite the position of some scholars who believe that such an embryo is subject to ownership,

چکیده

جنین آزمایشگاهی بر اساس اصول اخلاقی و قوانین طبیعی در حکم جنین عادی است. اختلافی که در نمو طبیعی جنین آزمایشگاهی با جنین طبیعی وجود دارد نباید احکام حاکم بر آن را متفاوت کند، چرا که وصف جنین در مورد آزمایشگاهی نیز قابل اعمال و گسترش است. این امر بیانگر آن است که جنین آزمایشگاهی دارای همان حقوقی خواهد بود که قانون برای جنین عادی در نظر گرفته است. به همین جهت، به رغم ادعای برخی مبنی بر مالیت جنین و به تبع، قابلیت مورد معامله واقع شدن آن، آن چه در این نوشتار بدان پرداخته می‌شود.

* این مقاله مستخرج از رساله دکتری مصطفی مظفری با موضوع: «هویت، حقوق و تکالیف انسان شبیه‌سازی شده» می‌باشد.

✉ نویسنده مسئول: تهران، خیابان انقلاب، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

پست الکترونیک: mhsadeghy@ut.ac.ir

✉ Corresponding author: Faculty of Law and Political Science, Enghelab St., Tehran University.

Email: mhsadeghy@ut.ac.ir

this article aims to critique this idea and argue that an in vitro embryo has the same personhood as a natural embryo from the moment of conception. Therefore, the embryo cannot be transferred as a gift or otherwise traded in the form of a stipulation in a contract.

Keywords: In Vitro Embryo, Property, Person, Embryo Donation, Contract for the Transfer of an Embryo.

بیان نقدهایی بر این نظریه و اثبات شخصیت جنین از لحظه انعقاد نطفه است و از این حیث تفاوتی میان جنین طبیعی و آزمایشگاهی وجود ندارد. بنابراین حتی ضمن عقودی مانند هبه نیز نمی‌تواند مورد معامله و موضوع حق واقع شود.

کلیدواژه‌ها: جنین آزمایشگاهی، مال، شخص، اهدای جنین، قرارداد انتقال جنین.

تجارب نیازهای حمایتی و مشارکتی زوجین در اولین تجربه فرزنددار شدن:
یک مطالعه کیفی با رویکرد پدیدارشناسی

**The Experiences of Supportive and Participative Needs of Couples
in the First Experience of Child Bearing: A Qualitative Study with
Phenomenology Approach**

روح‌انگیز محمدی خشوئی *R. A. Mohammadi Khashouei, Ph.D. Student*

دانشجوی دوره دکتری تخصصی مدیریت آموزشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان (خوراسگان)

معصومه محمدی خشوئی *M. Mohammadi Khashouei, M.A.*

کارشناس ارشد روان‌شناسی بالینی دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف‌آباد

M. Ghorbani, Ph.D.

دکتر مریم قربانی

استادیار گروه روان‌شناسی، دانشگاه پیام نور تهران

S. Khosravi, M.A.

سوسن خسروی

کارشناس ارشد روان‌شناسی بالینی دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف‌آباد

دریافت مقاله: ۹۳/۲/۳۰

دریافت نسخه اصلاح شده: ۹۴/۹/۱۵

پذیرش مقاله: ۹۴/۹/۱۸

Abstract

The birth of the first child is one of the most important events in the couple's life that changes most parents deeply. The present study tries to describe the couples' experiences during child bearing stage in association with their acceptance and role participation.

✉Corresponding author: Dept. of Psychology, Faculty of Humanities, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran
Email: mmohammadi1392@gmail.com

چکیده

واقعه تولد فرزند اول یکی از مهم‌ترین رویدادهای زندگی زوجین می‌باشد؛ چرا که اغلب والدین با تولد فرزند اول خود، دچار یک تحول درونی می‌شوند. این مطالعه به منظور توصیف تجارب زوجین از نخستین تجربه فرزنددار شدن در رابطه با تقبل و مشارکت نقشی و حمایت آنان می‌باشد. این پژوهش یک مطالعه کیفی است.

✉ نویسنده مسئول: اصفهان، نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، گروه روان‌شناسی بالینی
پست‌الکترونیکی: mmohammadi1392@gmail.com

This research is a qualitative study and collected a sample of 14 members of couples in the early stage of child bearing based on the purpose of the study and went through deep interviews. In this study, the Colaizzi method has been used for the information analysis. The reliability and validity of the present study mainly stem from four axes of real value, applicability, consistency and based on the fact.

The interview transcripts have been analyzed with three main themes: acceptance, role participation, and social support. Three essential elements were found including "acceptance, role participation, and social support" as important in order to maintain life family strength during first experience of child bearing in marital life. Therefore, health system providers are suggested to use this information to deal with the challenges they face in child bearing stage to improve preparation of young couples.

Keywords: Support, Role Acceptance, Marital, Child.

نمونه‌گیری به روش مبتنی بر هدف متشکل از ۱۴ نفر از زوجینی که دارای یک کودک در سن نوپایی بوده‌اند انجام گرفت. روش تجزیه و تحلیل کلایزی راهنمای فعالیت‌های پژوهشگران در این مطالعه بود. روایی و پایایی مطالعه حاضر ریشه در چهار محور ارزش واقعی، کاربردی بودن، مبتنی بر واقعیت بودن و تداوم دارد.

سه تم اصلی و کلی با عنوان «تقبل نقشی، مشارکت نقشی و حمایت اجتماعی» از متن مصاحبه‌های استخراج شده به دست آمد. نتایج پژوهش حاضر نمایانگر سه عنصر اساسی و مهم «تقبل نقشی، مشارکت نقشی و حمایت اجتماعی» در جهت حفظ و تحکیم زندگی خانوادگی و زناشویی زوجین در طول نخستین تجربه آنان از مرحله فرزنددار شدن است. بر همین اساس مراقبین سلامتی بایستی از این اطلاعات برای آمادگی بهتر زوجین برای چالش‌های مرحله فرزنددار شدن استفاده نمایند.

کلیدواژه‌ها: حمایت، تقبل نقش، زناشویی، فرزند

نقش خانواده در پاسخ‌دهی به اطفال بزهکار با تأکید بر قانون
مجازات اسلامی ۱۳۹۲

The Role of Family in Responding to Juvenile Delinquents by
Emphasizing the Islamic Criminal Code (2013)

M. Roshan, Ph.D.

E. Hoseini, Ph.D. Student

دکتر محمد روشن

دانشیار پژوهشکده خانواده، دانشگاه شهید بهشتی

✉ انسیه حسینی

دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی

دریافت مقاله: ۹۳/۳/۱۸

دریافت نسخه اصلاح شده: ۹۴/۵/۱۴

پذیرش مقاله: ۹۴/۶/۴

Abstract

Family plays the most important role in children's socialization and formation of their personality. The initial aim of the juvenile criminal justice system is educating and intervening to prevent the development of personality pathologies resulting in delinquency. Therefore, it is important to have an appropriate family response to achieve this aim. In addition, family intervention has a crucial role in developmental prevention in juvenile criminal justice.

چکیده

خانواده مهم‌ترین نقش را در جامعه‌پذیری و شکل‌گیری شخصیت فرزندان ایفا می‌کند. بنابراین با توجه به این واقعیت که هدف اولیه نظام عدالت کیفری اطفال، تربیت و مداخله در فرآیند شکل‌گیری شخصیت اطفال بزهکار است، حضور و عملکرد خانواده در مرحله پاسخگویی دستیابی به این هدف ارزشمند را میسر می‌گرداند. افزون بر این، خانواده جایگاه قابل توجهی در حوزه پیشگیری رشدمدار دارد. در نتیجه دخالت خانواده در این مرحله، زمینه‌ساز اجرای تدابیر رشدمدار در عرصه نظام عدالت کیفری اطفال می‌گردد و از این حیث بسیار مؤثر خواهد بود.

✉ Corresponding author: Faculty of Law, Shahid Beheshty University, Tehran, Iran.
Email: ensie.hoseini@yahoo.com

✉ نویسنده مسئول: تهران، دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده حقوق
تلفن: ۰۲۱-۲۲۴۳۱۷۵۵
پست الکترونیکی: ensie.hoseini@yahoo.com

Iran's Islamic Criminal Code (2013) has taken these key issues into consideration and has paid attention to the family as a solution. In other words, at the outset and in accordance with custody regulations, the first choice is to place the child in the custody of the family, and in the next step, the family is committed to the implementation of the court-ordered rehabilitative measures in order to realize the main objectives of corrective and rehabilitative functions of the system.

Keywords: Delinquent Juveniles, Family, Responding, Patronage, Obligation and Orders.

قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، با در نظر داشتن این مسائل کلیدی، توجه به خانواده را در دستورکار خویش قرار داده و پیش از تعیین هرگونه مجازات دیگری، صحبت از خانواده را به میان آورده است. بدین نحو که در گام نخست و با رعایت مقررات مربوط به حضانت، تسلیم طفل به خانواده را به عنوان یک پاسخ مؤثر مطرح کرده است و در گام بعدی، با نظر داشتن به کارکرد نظارتی، پرورشی و آموزشی این نهاد، خانواده را متعهد به اجرای دستورات بازپرورانه دادگاه در رابطه با اطفال بزهکار نموده است؛ تا از رهگذر چنین پاسخی اهداف بازپرورانه و اصلاحی - درمانی نظام دادرسی اطفال مذکور تحقق یابد.

کلیدواژه‌ها: اطفال بزهکار، خانواده، پاسخ‌دهی، سرپرستی، تعهد و دستورات.

بررسی و مقایسه نقش سبک‌های دلبستگی و راهبردهای تنظیم هیجان
در پیش‌بینی مشکلات رفتاری - هیجانی نوجوانان شبه‌خانواده
و غیرشبه‌خانواده

**The Role of Attachment Styles and Emotion Regulation Strategies
in prediction of Emotional-Behavioral Problems in Foster Care
and non-Foster Care Adolescents**

F. Pourmohseni Koluri, Ph.D.

S. A. Irani Kolur, B.A.

M. Tehranizade, Ph.D.

دکتر فرشته پورمحسنی کلوری ✉

استادیار روان‌شناسی دانشگاه پیام نور تهران

سید عادل ایرانی کلور

کارشناس امور شبه‌خانواده بهزیستی استان اردبیل

دکتر مریم طهرانی‌زاده

استادیار روان‌شناسی دانشگاه پیام نور تهران

دریافت مقاله: ۹۳/۶/۲۳

دریافت نسخه اصلاح‌شده: ۹۴/۱۰/۱۶

پذیرش مقاله: ۹۴/۱۰/۱۹

Abstract

This research examined the role of attachment styles and cognitive emotional regulation strategies on emotional-behavioral problems in foster care and non-foster care adolescents. The method of study was causal-comparison. The population was all foster care adolescents of foster care center in Ardebil. A sample of 30 foster care adolescents selected through available sampling method and

✉ Corresponding author: Ardebil, Payam Noor University, Dept. of Humanity Science
Email: fpmohseni@yahoo.com

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی و مقایسه نقش سبک‌های دلبستگی و راهبردهای تنظیم هیجان در پیش‌بینی مشکلات رفتاری - هیجانی نوجوانان شبه‌خانواده و نوجوانان غیرشبه‌خانواده انجام گردید. مطالعه حاضر یک پژوهش علی - مقایسه‌ای بوده و جامعه پژوهش را تمامی نوجوانان مراکز شبه‌خانواده و نوجوانان ساکن استان اردبیل بودند. ۳۰ نفر از نوجوانان شبه‌خانواده به شیوه داوطلبانه و ۳۰ نفر از نوجوانان غیرشبه‌خانواده به شیوه تصادفی انتخاب

✉ نویسنده مسئول: اردبیل، دانشگاه پیام‌نور مرکز اردبیل، ساختمان علوم انسانی
پست الکترونیک: fpmohseni@yahoo.com

compared with 30 non-foster care adolescents selected randomly and completed the cognitive emotion regulation questionnaire, Youth Self-Report behavioral problems list, and attachment styles scale.

Regression analyses revealed anxious and avoidant attachment and rumination in foster care adolescents, and anxious attachment and catastrophizing attachment in non-foster adolescents predicted internalizing symptoms. In foster care adolescents rumination and anxious attachment were significant predictors of externalizing symptoms in non-foster care adolescents we found that blaming other, anxious attachment, positive reassessment, catastrophizing and rumination were significant predictors of externalizing symptoms. In foster care adolescents anxious and avoidant attachment style was more frequent than security attachment and apply more maladaptive strategies of self-blaming, rumination, catastrophizing and blaming others; and internalizing symptoms are more evident in them in comparison to non-foster adolescents. Accordingly it seems that foster care adolescents use more insecure attachment styles and use maladaptive emotion regulation strategies.

Keywords: Attachment Styles, Emotion-Cognitive Regulation Strategies, Emotional-Behavioral Problems, Adolescents, Foster Care.

شدند و به فرم کوتاه پرسشنامه راهبردهای شناختی تنظیم هیجان، فهرست مشکلات رفتاری و پرسشنامه سبک‌های دلبستگی پاسخ دادند.

نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد دلبستگی اضطرابی، اجتنابی و نشخوارگری در نوجوانان شبه‌خانواده و دلبستگی اضطرابی و فاجعه‌پنداری در نوجوانان غیرشبه‌خانواده درونی‌سازی رفتاری را پیش‌بینی نمودند. در نوجوانان شبه‌خانواده، نشخوارگری و دلبستگی اضطرابی و در نوجوانان غیرشبه‌خانواده راهبرد ملامت دیگران، دلبستگی اضطرابی، ارزیابی مجدد مثبت، فاجعه‌پنداری و نشخوارگری برون‌سازی رفتاری را پیش‌بینی نمودند.

همچنین نوجوانان شبه‌خانواده بیشتر دارای سبک دلبستگی اجتنابی و اضطرابی هستند و کمتر از سبک دلبستگی ایمن برخوردارند و از راهبردهای ناسازگارانه ملامت خویش، نشخوارگری، فاجعه‌پنداری و ملامت دیگران بیشتر استفاده کرده و نشانگان درونی‌سازی در آنان بیشتر از نوجوانان عادی است. بنابراین نوجوانان شبه‌خانواده بیشتر از راهبردهای هیجانی ناسازگارانه و سبک‌های دلبستگی نایمن برخوردارند.

کلیدواژه‌ها: سبک دلبستگی، راهبردهای تنظیم شناختی هیجان، مشکلات رفتاری - هیجانی، نوجوانان، شبه‌خانواده.

تجربه زیسته دختران فراری از «خانه»

Lived Experience of Girls Running Away from "Home"

A. Hashemianfar, Ph.D.

M. S. Mousavi, Ph.D. student

دکتر علی هاشمیانفر

استادیار دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان

مهری سادات موسوی ✉

معاون پژوهشی جهاد دانشگاهی واحد علامه طباطبایی

دریافت مقاله: ۹۴/۲/۳۰
دریافت نسخه اصلاح شده: ۹۴/۱۰/۲۰
پذیرش مقاله: ۹۴/۱۰/۲۸

Abstract

This paper analyzes the concept of "home" among runaways and based on the lived experience of this group, we try to achieve a better understanding of "home" to expand the existing base of knowledge about the phenomenon of runaways. Phenomenological study was undertaken using Colaizzi method. Data were collected through inter-interviews with 10 girls aged 15 to 20 years shortly after escaping home.

چکیده

این مقاله به بررسی مفهوم خانه نزد دختران فراری پرداخته و با مطالعه تجربه زیسته این گروه تلاش شده تا به درکی مناسب از «خانه» نائل گردد و در گسترش دانش پایه موجود در خصوص پدیده دختران فراری نقشی درخور ایفا نماید. مطالعه حاضر به روش پدیدارشناختی و با استفاده از روش کلایزی انجام پذیرفته است. داده‌ها از طریق مصاحبه با ۱۰ دختر در سن ۱۵ تا ۲۰ سال که مدت زمان زیادی از فرارشان نمی‌گذشت، جمع‌آوری گردیده است.

✉Corresponding author: Iranian Academic Center for Education, Culture and Research (ACECR) Allameh Tabatabai Branch, First floor, Allameh Tabatabai building, north Aban, Karim Khan Zand Ave., Tehran, Iran.
Email: smousavi1@gmail.com

✉نویسنده مسئول: تهران، خ کریمخان، نبش خ آبان شمالی، ساختمان دانشگاه علامه طباطبایی، ط اول، جهاد دانشگاهی واحد علامه طباطبایی، معاونت پژوهشی
پست الکترونیک: smousavi1@gmail.com

Results indicated a complex picture of "Home" as reported by participants. In principle, meaning of "home" for them was associated and connected to "absence" of it and at the same time the ideal home, real home, homelessness and alternative home are in their mind and can be seen in their behavior. "Being" or "not being" in this context, is the origin of judgments about girls character. Indeed, understanding the meaning of "home" as a mental construct, forms the character of runaway girls and influenced by prevailing social norms and structures.

Keywords: Runaway Girls, Phenomenology, Ideal home, Real home, Homelessness, Alternative home.

یافته‌ها حاکی از درک پیچیده‌ای از خانه توسط شرکت‌کنندگان بود. در اصل، معنای خانه برای آن‌ها با «نبود» آن مرتبط بوده و هم‌زمان ایده‌آل، واقعی، بی‌خانمانی و خانه جایگزین در ذهن این دختران لانه‌گزیده و در رفتارهایشان تجلی آن دیده می‌شود. بودن یا نبودن در این چارچوب، خود منشاء قضاوت‌هایی در خصوص آنان و شخصیت‌شان می‌باشد. در واقع درک معنای خانه به عنوان ساختی ذهنی، بخشی از شخصیت دختران را تشکیل داده و متأثر از هنجارها و ساختارهای غالب اجتماعی است. دخترانی که خارج از «خانه» باقی می‌مانند به عنوان منحرفان، ناقضان نظم اجتماعی و روسپی برچسب زده می‌شوند که از تصاویر اجتماعی «زن»، «دختر خوب» و «طبیعی» خارج شده و جامعه آن‌ها را به عنوان ساختار غیرزنانه و غیرخانگی بر ساخت می‌کند. خارج از خانه بودن، خود جواز چنین برچسبی را به تنهایی فراهم می‌آورد و منشاء مشکلات روانی، جسمانی و اجتماعی دختران فراری خواهد بود.

کلیدواژه‌ها: دختران فراری، پدیدارشناسی، خانه ایده‌آل، خانه واقعی، بی‌خانمانی، خانه جایگزین.

بررسی مقدماتی ویژگی‌های روان‌سنجی مقیاس ادراک کارآمدی
جمعی خانواده در نوجوانان*

**A Preliminary Study of Psychometric Properties of the
Adolescents' Perceived Family Collective Efficacy Scale in
Adolescent**

L. Panaghi, Ph.D.

I. Mokhtarnai, M.A.

F. Kalantary, M.A.

دکتر لیلی پناغی

دانشیار پژوهشکده خانواده

ایرج مختارنیا✉

کارشناسی ارشد روان‌شناسی خانواده‌درمانی دانشگاه شهید بهشتی

فاطمه کلانتری

دانشجوی کارشناسی ارشد مشاوره مدرسه دانشگاه شهید بهشتی

دریافت مقاله: ۹۴/۶/۲۲

دریافت نسخه اصلاح شده: ۹۴/۹/۱۶

پذیرش مقاله: ۹۴/۱۰/۵

Abstract

This study was aimed to examine the psychometric properties of the Perceived Family Collective Efficacy (PFCE) revised scales in adolescents. The study is cross-sectional, and the students from a rural city Qods near to capital city of Tehran formed the study population.

چکیده

هدف از پژوهش حاضر بررسی مقدماتی ویژگی‌های روان‌سنجی مقیاس ادراک کارآمدی جمعی خانواده در نوجوانان است. روش پژوهش حاضر، توصیفی و مقطعی است و جامعه آماری در این پژوهش، دانش‌آموزان شهرستان قدس استان تهران است که با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی دو مرحله‌ای، هدف از پژوهش حاضر بررسی مقدماتی

* این مقاله برگرفته از طرح تحقیقاتی است که با حمایت مالی قطب ایرانی - اسلامی خانواده صورت گرفته است.

✉ نویسنده مسئول: تهران، دانشگاه شهید بهشتی، پژوهشکده خانواده

پست الکترونیک: mokhtarnia66@gmail.com

✉ Corresponding author: Family Therapy Department, Family Research Institute, Shahid Beheshti University, Evin, Tehran, Iran
Email: mokhtarnia66@gmail.com

A sample of 891 students was selected through a multistage sampling method and The Adolescents' perceived collective family efficacy scale together with other questionnaires including (CPIP), (YSR) and (FAD) were filled by participants. The results of the exploratory factor analysis identified a two-factor solution, and confirmatory factor analysis support both two-factor and one factor, with the a better fit of the two-factor model . Divergent and convergent validity were tested in association with scales of PFCE, CPIP, YSR, and FAD that were found quite satisfactory. Cronbach's alpha coefficient was 0/92 and test-retest was 0/83; Therefore, based on the results of this study, perceived family collective efficacy scale shows has adequate psychometric properties to be applied for research and family counseling purposes.

Keywords: Family Collective Efficacy, Psychometric Properties, Adolescents.

روش پژوهش حاضر، توصیفی و مقطعی است و جامعه آماری در این پژوهش، دانش‌آموزان شهرستان قدس استان تهران است که با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی دو مرحله‌ای، ۸۹۱ نفر از آن‌ها انتخاب شدند. ابزار پژوهش، پرسشنامه ادراک کارآمدی جمعی خانواده بود که همراه با پرسشنامه‌های (CPIP)، (YSR) و (FAD) روی گروه نمونه اجرا شد. نتایج تحلیل عاملی اکتشافی دو عامل را مشخص کرد و تحلیل عاملی تأییدی این مقیاس هم از مدل دو عاملی و هم از مدل تک عاملی حمایت کرد؛ البته مدل دو عاملی نسبت به تک عاملی برآزش بهتری داشت. در بررسی روایی واگرا و همگرا از طریق ضریب همبستگی پیرسون، مقیاس ادراک کارآمدی جمعی خانواده با پرسشنامه‌های (CPIP)، (YSR) و (FAD) رضایت‌بخش بود. همچنین نتایج ضریب آلفای کرونباخ ۰/۹۲ و ضریب باز آزمایی ۰/۸۳ به دست آمد؛ بنابراین بر اساس نتایج به دست آمده از این پژوهش، مقیاس ادراک کارآمدی جمعی خانواده دارای ویژگی‌های روان‌سنجی مناسبی است و می‌توان آن را برای اهداف پژوهشی و ارزیابی خانواده‌ها در مشاوره خانواده مورد استفاده قرار داد.

کلیدواژه‌ها: ویژگی‌های روان‌سنجی، ادراک کارآمدی جمعی خانواده، نوجوانان.